(شماره ۱) (سال اول) (صفحه ۱)

قیمت یک نسخه ۵ شاهی

بلدیه

(اداره مرکزی طهران سرای حاجی قلبلشی)
(صاحب امتیاز و مدیر)
(مرتضی موسوی و میرزا)
(ابوالقاسم همدانی)
(مراسلات فقط بنام اداره بلدیه است)

بتاریخ یکشنبه ۹ شهر صفر المظفر ۱۳۲۷
مطابق ۲۴ مارس ماه فرانسه

(فعلا هفته یک نمره طبع و توزیع میشود)
(وجه پست بعهده اداره است)

(ربنا جعل هذا بلدا آمنا)

(ابونه سالیانه)
(طهران ۱۸ قران)
(سایر بلاد داخله ۲۲ قران)
(در بلاد خارجه)
(قفقاز و روسیه ۶ منات)
(هندوستان ۸ روپیه)
(عثمانی و مصر ۳ مجیدی)
(فرنگستان ۱۲ فرانک)
(وجه ابونه بعد از سه ماه دریافت میشود)

این جریده مطلق و آزاد است و از قوانین بلدی و علمی و ادبی و کلیه فواید و مصالح دولتی و ملی و سیاسی و تجارتی و حوادث شهر این جریده موج میشود مکاتیبی که حاوی بر مقالات فوق باشد پذیرفته خواهد شد و از القاب متکاثره معذرت میخواهد

(دیباچه)

(بنام خداوند جان و خرد)
(که اندیشه زین برتر نگذرد)

حمد محمود و ثنای مسعود سزاوار ذات پاک فرمانکار بیست جهات ملکیه و عظمت عالمیه که بلند افرغش واخش و روزه از بیابان نیستی بشهرستان هستی در آورده و اساس بلدیت در وی نهاد و نیست پنجگانه حریت مطلق الصانع خدائی کون وجود سلاوره بیرون از عدم (الذی خلق السموات والارض و ما بینهما فی ستة ایام ثم استوی علی العرش الرحمن فاسئل به خبیرا) و خجسته نعتیکه قلم معجز رقم از رقم آن عاجز و فرخنده وصفیکه زبان کلمات انشان از بیان آن قاصر است نثار ساحت کوبیین بلبستان امکان و پیروان علت غائی موجودات شرف باشرف مخلوقات سر حلقه سلسله انبیا و چمن آرای گلستان اصفیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله باد که جلوه گاه کتبی جریده فریده ناموس اکبر قرآن مجید و فرقان حمید در جهان علم آوازه و ما محمد الا رسول الله و خاتم النبیین و ماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی بر افراخت و اولاد آدم را از خواب غفلت و حمق جهالت بیدار کرده هوشیار ساخت

و درود نامحدود و ستودی با بسته چنگی پیشگاه عابد جرائد کائنات و قواعد و فوائد ممکنات حضرت مستطاب ولایتمآب جلالت انتساب اسدالله الغالب علی بن ابی طالب و یازده فرزند بلند اوکه بروج مشیده سماوات شموس حقیقیه و اقمار منیره آسمان وجایت هستند که والسما ذات البروج ثوکتاب جلالتشان فهرستی است و تبارک الذی جعل فی السما بروجا و جعل فیها سراجا و قمرا منیرا از صحیفه جلالشان صفحه ایست سیما پنجمین کان اعلیحضرت قدر قدرت قضا نفاذ حافظ الکتاب و الامه و خاتم الملک و الائمه صاحب الامر حجة العصر امام حاضر و غایب مهدی بن حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه و سهل الله مخرجه که (الم ذلک الکتاب لاریب) در شان ایشان است والذین یومنون بالغیب در حق معتقدان کتابی

محمدالله و المنه در این عصر فرخنده حضرت پادشاه عادل جوان بخت حریت بخش عدالت گستر سلطان السلاطین ظل الله العالی فی الارضین الامان الله تعالی و قاهر جنود حجة الله المنتظر السلطان محمد علی شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته جو ساعد ترجمه بدوایر علوم و معارف در این اساس

و مادة المواد اصلاح هر نواقص است مملکت محتضر از حال اعتلال رو باعتدال گذارده

(دشمن اتش پرست باد بهارا بگو)
(خاک پرسرکن که آب رفته باز آمد بجوی)

در اعصار سالفه وادوار ماضیه عزت و سعادت و قدرت و شرافت این خطه طیبه چون صبح صادق از افق کامرانی طالع و لامع و نور جهان افروز نیر اعظم علوم و معارفش در اقطار مشارق و مغارب (زایران زمین تا بتوران زمین) (زحد حبش تا باقصای چین) منتشر و ساطع و از صیت سطوت ملوکش سلاطین هند و چین بلکه اغلب ممالك روی زمین خاضع و خاشع بوده ودر بعضی تواریخ موثقه مندرج و مندمج است که اقالیم سبعه در تحت تملك و تصرف ایرانیان بوده متدرجا بواسطه نخوت و جهالت و غرور و نفس پرستی و آراء واهواء عاطل باطل متصدیان امور سراج وهاج انوار عرفان و ضیاء علوم وفنونش مبدل بکسالت و بطالت و خمودت گردیده و پرتو اقبال و اجلالش مکدر و ظلمانی گشته تا در زمان سعادت توامان سلطان مبرور اعلیحضرت مظفر الدین شاه انار الله برهانه در حالت احتضار بوده و آن حکیم مسیحا دم استشفا آن را بتاسیس و توسعه دوایر علمیه واتحاد مجلس مقدس شورای ملی و اجرای قوانین عدلیه موافق احکام الهیه که کافل و مکمل سعادت بشریه است فرموده چه بنیاد حصین سیاست و بنیان متین مدنیت بی مشورت عموم صورت نه بسته و مشید نگردیده بمصداق ایموافق هدایة وشاورهم فی الامر ریشه ظلم و استبداد را کنده و ملت ضعیف را از حیز جهل و نادانی بافق دانش و بینش و سعادت ابدی مساعدت داده و فرمان قضا جریان آزادی وحریت رعیت از مصدر خلافت کبری صادر گردید جناح عدل و نصفت بر پیر و جوان گسترد و سایه انعام و اکرام بر خاص و عام افگنده روح پرفتوحش شاد و روانش در جنان برمراد باد (زنده است نام فرخ نوشیروان بعدل) (بس سالها برفت که نوشیروان نماند) اللهم اغفر موارحمه و تجاوز عنه بمحمد و اله

چون امروز اوازه جراید بر انتشار عدل واحسان این پادشاه نو آئین ما و خداوند تاج و نگین از هر طرف بشرق بلند است خامه جریده فرخنده مجلس که در میان جراید مثل ماه در میان ستارگان است و هنوز هیچ کس از

زمره وطن پرستان عزیز در طبع روزنامه بلدیه اقدام ننموده بود لهذا این کم بنده طوایف امم خادم اهل بیت رسول الله صلی الله علیه واله مرتضی موسوی دزفولی و ابوالقاسم همدانی باین خدمت کمر بسته بایجاد این نامه سعادتمند پرداخت و بلدیه موسوم ساخت که اراضی موات خراب شده خزان دیده بساتین وطن عزیز مارا تاثیرات باد نوروزی و بهاری باد و زندگانی جاوید دهاد
الذی [illegible] الریاح فتثیر سحابا فسقناه الی بلد میت فاحیینا به الارض

(اساس البلد)

بر حسب تقاضای طبیعت این جریده که بلدیه نامیده شده است لازم آمد که با نخستین بلز نمائیم که معنی بلد چیست و اهل بلد کیست هر بایست بلد چند چیز وان چیز کدام است

بلد عبارت از شهری است خوش آب و هوا موافق مزاج عموم اهالی که در او باندازه حاجت کوچها و برزنها وخانها و بازارها وسراها و میدانها و خیابانها باشد مثل عمارات سلطنتی و امارات حکومتی و ادارات دولتی و مقامات ملی و سفارتخانهای سفرای دول متمدنه و مجالس علمی از امور مذهبی و محافل علمی از مصالح ملکی و مالی و بیوتات صنعتی و مستغلات تجارتی ومحلات کسبی و مساکن رعیتی و زیارتگاه معتقدین و تفرج گاه ولایتی و مضافات و سایر ابنیه که ضرورت و مایحتاج طبایع است خاصه در سواد اعظم دارالخلافه باهره طهران که بواسطه قبة الاسلامی قبله عالم و مصداق علیکم بسواد الاعظم است ومجلس مقدس محترم شورای ملی که از آثار فرخنده این عهد همایون و مجری حکم محکم (وامرهم بینهم شوری) است وچنانچه نگارنده را اراده آن باشد که ذکر هر کدام از این اماکن مندرجه و منازل متبرجه را بشرح باز آورد و فائده هر یك را بر طبق لزوم بیان نماید سخن اینجا بدراز اکشد و از منظور مهجور ماند ولی مقدم تمام این خانها خانه خدا است در بلد

ان اول بیت وضع للناس للذی
ببکة مبارکا و هدی للعالمین

(اما اهل بلد) معرف رامیرسد که اهل بلد را در

هر خطه دو اساس و جلوه دو لباس بباید و بشناساند به ناگزیر است

اگر چه هر دو بکیست و (دو بینی از قبل چشم احول افتاده است) هر دو با یکدیگر تو ام و قائم بذات وزنده جهات هستند

(لباس و اساس اول)

سلاطین عادل نافذالامر ندر خلد الله ملکهم و وزیران صائب تدبیر خبیر بصیر و امیران صاحب شمشیر دلیر و دبیران دیوان رسالت و مشیران و سادات عدالت و امینان و معاونان ملك و دولت و ارباب دفاتر و اصحاب مخازن و ذخائر و مورخان ایام و مسیوفان قاهی لهو دیگر طبقات از قبیل حکام و عمال و نواب و ظباط و شاهبان و سپاهیان و غیر ایشان از امین و خائن و معمار و مخرب لیکن مسلم کلیه این حضرات که شمار کردیم وجود مبارك پادشاه عصر است اعنی اعلیحضرت ظل الله اسلام پناه السلطان محمد علی شاه قاجار لا زالت ایام سلطنته که امروز نماینده (انی جاعل فی الارض خلیفه) است

(و اساس ولباس دوم)

حجج اسلام و علمای اعلام از علوم دینیه و دنیویه که وارث انبیای سلف و باعث اولیای خلفند کثر الله امثالهم و حکمای الهی و فلاسفه طبیعی و خداوندان فضایل وصنایع و مصحح السنه اجانب و مالکان ثروت و بزرگان نعمت وتجار امتعه واقمشه خارجه وداخله وسوداگران ارزاق اطعمه و اشربه و دیگر طوایف مردم از کوشه نشینان و سیاحان و خدمه ابواب ابنای زمان و حمله مبانی و حمله اثقال از مجاور و مسافر از صدیق و کذاب از دیندار و دنیا پرست هر چه هست

و معلوم است که غرض از این هیئت که در قلم آوردیم هیاکل مقدسه ائمه دین مبین است ویژه در این عصر میمون که مظهر (وجعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا)
(لما صبروا و کانو بایاتنا یوقنون) اند

مراد از این توضیحات واضحه و تحصیلات حاصله که بمقتضای [illegible] الاولین [illegible]

الفاظ نیست بلکه از هر کدام ما را مرادی و مقصودیست که انشاالله در نمرههای آتیه بجای خود بیاید و بمساوای خویش بیاساید در نمره اول ما را بهمین فهرست کفایت افتاد ● (بقیه دارد)

(حریت و آزادی)

آزادی از برای عموم وطبقات مردم میباشد باین معنی بعد از آنکه قانون وضع شد باید تمام افراد مردم در تحت اوامر و نواهی قانون باشند بمساوات بملت آنکه قانون با هیچ کس بستگی و ارتباط و خصوصیت ندارد پس از انکه مملکت قانونی شد و قوانین مجری گردید و امتثالش فرض و محتوم شد شخص آزاد است آنچه را که بر خلاف قانون نیست بکند و هر چه مخالف قانون است نکند چنانچه اشاره شد اگر این قانون الهی است دولت را مشروعه گویند و اگر ایجاد قانون بواسطه رؤسای دولت و ملت است مملکت را مشروطه نامند در هر دو صورت باید مهام امور مملکتی و مصالح ملت بدست مجلس شورای ملی باشد والا اسباب ظلم و اعتساف و تعدی فراهم خواهد شد پس افراد رعیت حق تاسیس قانون و احقاق حقوق خود را دارند ولی چون بعضی بکلی جاهل و نادان و از مرکز عدالت دور واز بلاد بعیده اند این است که وکیل از برای خود انتخاب میکنند و انها را در مصالح خویش مختار مینمایند و اجتماع وکلای ملت را هیئت مقننه میباشد مجلس شورای ملی و مجلس مبعوثین گویند و بفرانسه پارلمان نامند که حامی حقوق رعیت میباشند و مجلس دیگر از وزرا و اشراف و غیره انتخاب میشود که حامی حقوق دولت و رقیب امنای ملت میباشند این مجلس را سنا گویند و در هر صورت اختیار اجرا فقط بقبل سلطان است و شخص سلطان منزه و مبری است از رفتار خلاف مصالح رعیت خود و همیشه مستعدان که ثمره شجره طیبه و فائقند مؤید و معاون و معاضد این اساس حسنه اند و مستبدان که ثمره شجره خبیثه ظلم و نفاق استبدادند معاند این هیئت محترمه هستند

(بشارت)

امروز از فریادهای پی در پی دانشمندان مملکت تمام اهالی ایران فهمیده و دانسته اند که آبادی و ترقی ملك موقوف است بتحصیل ثروت و ثروت هم حاصل نمیشود

مکر بعلم یا تجارت یا زراعت لهذا ابنا وطن عزیز ماهکی متحد و متفق شده و در صدد آبادی مملکت بر آمده‌اند تا رفع احتیاجات خود را از اجانب بمایند چنانچه قریب دو هفته است که اطفال پریشان یتیم کفاشخانه که هر یك روزی دهشاهی یا یك قران بیشتر اجرت ندارند این وجوه را قابل تسلیم بانك ملی ندانسته تشکیل انجمنی داده و قناعت را پیش نهاد خود کرده که هر یك در عرض هفته باندازه وسعت خود یکقران کمتر یا بیشتر تسلیم آن انجمن نمایند تا آن وجه جمع شده سرمایه کسب ایشان گردد و تا کنون با وجود یکه پانزده روز بیش نیست و هنوز آن انجمن درست تشکیل داده نشده مبلغ معتابهی گرد آورده‌اند جدی نمیکنند هنا این همت و غیرت سرمایه صحیحی تشکیل خواهند کرد (آفرین بر حمیت و غیرت این کودکان نورس صنعت آموز عزیزمند که از رؤسای خود پیشی گرفتند و در ترقی کسب و صنعت خود گوی سبقت از سایر همکنان ربودند

ایکاش استادان و رؤسای این صنف هم تاسی بشاگردان خود کنند و هر کدام ماهی یك تومان از مصارف و مخارج بیهوده خود صرف نظر نمایند چنانچه متفقا و متحداً اقدام باین امر کنند ماهی هشتصد تومان میشود چند ماه تحمل این مشقت را کرده واین وجوه را هر ماهه تسلیم بانك ملی نموده و درخواست کنند که از برای ایشان چرخ چرم سازی وارد نماید البته کاشتکان بانك ملی هم مساعدت وهمراهی خواهند فرمود و بزودی این کارخانه در ایران وارد و دایر و دست تعدی و اجحافات اجانب کوتاه خواهد شد چقدر می توانید متظلم شوید که پوست ایران بخارجه برود و تا کی تملق والتماس میکنید در صورتی که ابداً فایده بحال شما ندارد چنانچه در این مقصد شریف که اسباب آبادی مملکت است هم طلبه خود را مصروف دارید قهراً پوست بخارجه نمیرود مگر نمی بینید که پوست را بقیمت نجس از شما میخرند وهمان پوست را مجدداً بخود تان بقیمت گزاف میفروشند چه ضرر دارد این کارخانه را بنیروی اتحاد و اتفاق وارد نمائید تا این فوائد راجع بخود واخلافتان بشود خوب است در این باب این صنف اهتمامات خود را مبذول دارند شاید تنبیر اصناف هم تاسی بنمایند که هر بانك ملی که پشتیبان تمام ملت است

باندك وقتی رشته عبارتی عالم بکیرد فوائدش راجع بملت و اسباب ترقی مملکت خواهد شد • لازم است در این جا شرحی از انجمن خیریه بندر سوخوم نگاشته شود

انجمن خیریه بندر سوخوم

بر هموطنان عزیز پوشیده نماند از وقتیکه ندای اتحاد دولت وملت ایران بگوش مسلمانان سایر ممالك خارجه رسید هر یك هر یك برای پیشرفت این مقصد مقدس از جان و مال مضایقه نفرموده‌اند والحمدلله در این خصوص ترتیب داده جنانچه ایرانیان مقیمین بندر سوخوم با کمال غیرت در یکجا جمع شده از صمیم قلب با خلوص نیت بکلام الله مجید قسم یاد نموده و دست اتحاد بیکدیکر داده که من بعد در باره اصلاح امورات ملت تکاهل نورزند منافع شخصی و اغراض نفسانی را کنار گذاشته و در پیشرفت امور سعی بلیغ فرمایند و مرامنامه باصلاح دید اجزا و اعضای انجمن نگاشته وما عینا اورا از روزنامه مبارکه ارشاد نقل کرده و در این جا مندرج می نمائیم و آن مرامنامه مشتمل بر ۹ فصل است

(فصل اول) هر وقتیکه از رئیس انجمن ویا از اعضای انجمن خطا و یا طرف گیری راجع بامورات ملت سرزده باشد ملت حق دارد از روی حقایت تصدیق و خیانتش ثابت نموده بجای او وکیل علیحده تعیین بنمایند

۲ — اگر در میان ملت اسلام خواه شیعه خواه سنی خواه ایرانی خواه جای دیگری یك کار حادثه مهمی از جنب خیروشر و یا تعزیه داری و یا مشایعت جنازه اهل اسلام وقوع افتد باید در همین مجمع اعضای انجمن وعموم ملت اسلام حاضر شده سر افرازی بنمایند در بین الملل و رؤسا تفاوت کبری نباشد جهة اینکه این عباد عبید یك خدا هستند و پیغمبر ما محمد ص و کتاب ما قران است از چه جهت در میان برادران دینی خودمان نفاق افکنده در برابر ملل خارجه خار و زبون باشیم بعکس اگر کسی به خلاف این امر کوشیده باشد فورا با اخبار حکومت نفی بلد خواهد شد

۳ — هر گاه در میان یکنفر کسورتی یا از طرف داد و ستد و یا طلبی و یا مرافعه داشته باشد فرض اعضای مزبور است با کمال حقایت رسیدگی نموده هر طوریکه مصلحت خیر اندیش صلاح دیده باشند بمیان آنها صلح و صفا بدهند مبادا فسادی از آنها ابراز شود هر گاه طرفین مزبور بقرار داد انجمن راضی نشوند باید رؤسا کار معوقی آنها را خودشان (به میروی سود) رجوع نموده باصلاح ان بکوشند

٤ — آنهائیکه از قسم دکاندار یا قهوه‌چی یا پودرنچی و سایرین با یکدیکر شراکتی نموده و یا یك چیزی فروخته باشند یا با یکدیکر قرض داده باشند باید بامضای اعضای انجمن در میان شان تمسك و یا وکیل باشد جهت انکه در وقت ضرورت کدورت و رسوائی اتفاق نیفتد

٥ — اشخاصیکه بعمل نا مشروع ودزدیکری وجیبکیری و اشکیل بازی یا مردم آزاری که از شریعت مطهره ما دور است مرتکب هستند به رؤسای ملت لازم و واجب است که آنها را دعوت نموده با زبان نرمی و مهربانی نصیحت و وعظ بنمایند هر گاه نصیحت پذیر نباشد با کمال خواری گرفته بحکومت تسلیم نموده یا بالمره روانه ایران نمایند

٦ — از برای پیشرفت ملت و فخر اسلام همه دست همت بر کمر زده صندوقی از برای انجمن خیریه بنا و یك دفتر اعانه چاپی درست نموده و قرار اعانه باصلاح رؤسا بدین قرار قطع شد بقال وقهوه‌چی کوره‌چی پودرنچی در هر ماه (دو منات) بوقاچی (یك منات) اشخاصیکه بروسبه مال حمل ونقل میکنند (یك منات) داشقاچی وقزلکچی (دهشاهی) موشامله (یکعباسی) بانجمن خیریه اعانه بدهند در ضمن همین وجه را وکلای انجمن باصلاح دید ملت بجای ضروری خرج ومصرف نمایند

۷ — هر کس به انجمن خیریه اعانه داده باشد باید قبض رسید با امضای نه نفر اعضای انجمن بکیرد اگر قبض نکرفته پول داده باشد از درجه رسید ساقط است علاوه هر قدر در صندوق انجمن اعانه جمع شده هر وقت یکی از ادنای ملت ویا ساکن شهر دیکر آمده از اعضای انجمن حساب خواسته باشد واجب الفرض همین اعضا هست در همین موقع تمام کمال تا یك قیك حسابش رابدهند هیهات از همین وجه یك شاهی کم شده یا فوت یا بجای غیر ملزوم خرج کرده باشند باید اعضای مزبور از عهده‌اش برامده کم کسرشرا درست بنمایند

۸ — باید اعضای مزبور همواره با جان و مال در راه ملت کوشش نموده که باعث آسودگی ملت و فخر دولت بوده باشد علاوه با هم متفق القول شده از حکومت بلدیه یك جائی از برای عبادت خانه ملی گرفته درست بنمایند و علاوه یك نفر ملا از برای ملت خیریه لازم است با مواجب سالیانه نگاه داشته همواره کار مهم ملت را به اهالی میمل فرماید به اینکه در هر سال ما محروم یك نفر روضه خان از طرف ایران دوان دوان امده ملت بیچاره را لخت نموده باز هم بعد از دو روز مراجعت ایران بماید بعد از این نباید یکنفر مسلمان بی غسل و کفن در زیر خاك دفن نمائیم

۹ هر گاه از یك طرف فقیری یا سیدی به بندر سوخوم وارد شد باید اعضای انجمن باصلاح دید ملت خودشان خرج راهی را خود از وجه انجمن خیریه داده بزودی از این شهر بیرون بکنند ونگذارند در پیش دکانداران سؤالی و باعث بد نامی و رسوائی دولت و ملت باشند اگر یك نفر از ملت ناخوش و علیل شده باشد اداره انجمن با وجه خیریه مشار الیه را بمریضخانه گذاشته مخرج او کفیل شد که مبادا در میان ملحق مشرف بموت شود این است مرام نامه اهالی ایران مقیم بندر سوخوم انشاالله تعالی امیدوارم رؤسای انجمن از قرارداد خودشان تخلف ننمایند

قابل توجه

جون هیئت کشور بمنزله کالبد است و لشکر جنگی انحکم خون را در بدن دارد و رعایای مالی و ذاتی مملکت از هر صنف و هر طبقه ضعیف وقوی باعصاب و اعضا وجوارح می باشند و عدالت بمنزله روح در ان کالبد است (و سر) سلطان ملك بدن محسوب میشود وخانه دل دارالشورای داخله ازکشور است پس هر کدام لازم وملزوم یکدیکرند و هر وقت از اوقات بر دارنده کالبد فرض است حفظ سته را وی باید پرستار و غم خوار شد حدود اربعه این شش جهت را بانقش و هیئت کالبد همه روزه قویتر و وثیقه اعصاب آن محکمتر گردد زیرا کالبد بعقیده عموم علما و اطبای عالم انسانیت هیئت بلدیه دارد که در بیابان پر خوف و خطر با حصور لشکری واقع شده باشد و حملات خصم قوی پنجه با خطرات و واردات مخالف و بنیان کن نیز قریب بوقوع دیده شود لذا در صدد رفع و دفع خطرات و جاره انقلابات داخله میاید قبل از وقوع حادثه و حمله خصم خارجه شد و آن تدبیر اینستکه حصار بدنرا باید قوی پایه و بلند مرتبه داشت بحدی که نردبان فکر و خیال عدو بپایه‌های

از منتهی نگردد و دست تخطی دشمنان کم فرصت‌ها کنند شصت خم بر فراز بروج حصار آن نرسد و تدابیر این موانع واشفوقی چند است که نگارنده تشریح مینماید در بنای محکم باروی معظم پایه‌جون کوه سهند و حصاری چون کیوان بلند لازم است پاسبان زیاد و اسباب مدافعه و استمداد میخواهد که هنگام حملات شدیده خصم فرصت طلب استحکام کار و تدابیر با اعتبار مستحفظین مانع رخنهٔ حصار و باعث محافظت شهر ودیار بوده باشد ودفع بلیات و حوادث از داخله کشور جسمانی بدون سرگردانی درهر زمانی بشود. (بقیه دارد)

لزوم حفظ الصحه

عقل اول یعنی نبی اکرم فرمود طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة دراین‌ملک تحصیل‌ذکور از امور عادیه شده است اما اناث مطرود و متروك شرحش را که از فرائض است در نمرات آتیه درج خواهیم کرد اما علم هم میفرماید بر دو قسم است‌علم الابدان و علم‌الادیان علم ابدان‌را مقدم بر علم ادیان و مذاهب فرموده‌بعلت‌انکه خلقت انسان از برای‌معرفت‌وعبادت‌است چنانکه میفرماید (و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون) پس‌معرفت فرع بر با بودن وجود و صحت است و آن ممکن نمی شود مگر بحفظ الصحه وبانکه حفظ‌بدن ازواجبات‌وفرایض‌است در مدارس و مکاتب قبل از تعلیم وتدریس ترتیب حفظ الصحه که اهم و اقدم بر همه مسائل است باطفال زبان خارجه و جغرافیای هند و چین و هیئت آسمان وزمین را تدریس می نمایند وروزنامجات که کلید تشان کالوحی المنزل است یکی این مطلب را ازنظر انداخته وبعون‌الله تعالی در هر نمره یك مقاله درسته ضروریه که انسان را بعمر طبیعی میرساند و از مخاطرات، واجلهای معلق نجات میدهد چنانکه‌میفرماید خداوند حکیم علیم میفرماید (هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون) یعنی از برای هر کس دو اجل مقدر است یکی اجل معلق که بواسطه رعایت نکردن حفظ الصحه و قوعد متعلقه بحکمت طبیه مدنیه انسان دوچار هلاکت وظلم بنفس خود کرده بلکه قتل نفس نموده خداوند میفرماید (من قتل نفسا متعمدا فجزاء جهنم خالدا فیها) یعنی اگر کسی کسی‌را بکشد عمدا جزای او جهنم است وهمیشه در جهنم خواهد ماند باینواسطه مسئول عند الله خواهد بود چه خلقت نی نوع بشر که اشرف مخلوقات است برای‌معرفت است و لازمه عبادت حفظ و حراست وجود و تقویت‌عناصر است بطور اکمل و اتم بعلت انکه قوت طاعت از لقمه لطیف . صحت‌عبادت درکسوت نظیف است پیداست که ازعدم‌نظافت قوی تحلیل‌رفته‌متدرجا داعی حق را لبیك خواهیم گفت و مبین است از معده خالی چه قوت و از دست تهی چه مروت و از پای برهنه چه‌سیر واز شکم گرسنه چه خبر و از مسکنت وفاقه چه فراغت (یکی اجل حتمی) که بعد از یکصد و بیست سال پس از انتفا حرارت غریزیه در رسد چنانچه می فرماید (اذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون)

و اگر حفظ الصحه فایده نداشت خداوند امر بحضرت موسی نمیفرمود برو دوا بخور و الا هلاك خواهی شد. چنانچه اظهر من الشمس است‌که امراض مهلکرا بواسطه‌دوا معالجه میکنند البة اگر دست و پای کسی بشکند او را شکست و بست میاورند

پس بمفاد ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکة باید تغافل و تسامح در حفظ الصحه ننمود حال شروع میکنیم بترتیب تاسیس اساس و بیان رؤس مسائل حفظ الصحه من جمله از لوازم حفظ الصحه تنظیف بلدیه است و اصلاح آن ممکن نمیشود مگر باتفاق افراد ملت که‌مساعی جمیله‌خود را از غنی و فقیر مبذول دارند و در صدد اصلاح حمامها و حفظ مجاری آبها و حراست ماکولات و مشروبات دکانها و پاکی آبهای حوضها و تمیزی خانها و لباسها و غذا ها و خیابانها و غیره . . . . .

بر آیند و این ترتیب ربطی بهمراهی دولت ندارد بعلت اینکه دولت اسباب تمیزی و حفظ‌الصحه خود را ازهرجهة فراهم‌آورده‌تمام‌مردم‌هم غیرت‌کرده‌لوازم زندگانی خود را مهیا کنند و درین کار روسا و وکلا محترم مجلس شورای ملی هم دخالت ندارند بعلت آنکه در مجلس فقط طرح قانون در کلیات مسائل مهمه میشود در باب تنظیفات باید رعیت اتفاق کرده بمساوات حکومت بلدیه مطابق قانون بلدی رفع و اصلاح نواقص

امور را بکند

الحق در اینکه‌ماند زهاد و نصایح مشفقانه وعاظ محترم خیر اندیش و روز نامه نگاران بی غرض داد سخن رادادهاند بیکتاهو استعاره گفتند خسته‌شدند‌ماملت آزادشدیم‌که بتوانیم بگوئیم هر چه را که بدانیم ودر حفظ حقوق دولت و ملت کمال جهد و کوشش‌را بنمائیم

(سئوال از جانب‌عموم ملت بصاحب امتیاز خط آهن) جناب . . . رئیس امتیاز خط واگون را شما گرفتید که منافع او بهره شما و زحمت کثافات و گل وغیره ! نصیب ما آیا حکم عدالت و دستور انصاف است که باعث گل زمستان و گرد و خاک تابستان واگون و خسارت تنظیف بدولت یاملت باشد بکدام قانون پس از اینکه معبر مسلمین در خیابان چراغ گاز وغیره . . . . در کمال خوبی درست شد فورا گذشتگان و اکنون خط آهن‌را قدر مشرف از معبر مسلمین بلند تر میباشد آ یاتقل نمیکنند آب برف وباران وگل این خط باید معبر مسلمانان‌راخراب کند و عابرین سبیل در عسر حرج بیفتند چنانچه امتیاز این خط باشما است‌البتة تنظیف یك ذرع در یکذرع سهم‌شما خواهد بود معلوم است‌در این‌باب‌از برای‌ادای حقوق مردم یا (تنظیف) و یاجواب مساعد لازم است و دیگر ای کالسکه چی ای انصاف اسب روسی‌مفت‌خوارمست را باآن نعلهای روسی که باین کالسکه لاستیك دار یك بی صفا میبندید مگر درخیابانهای بلاد اروپا حرکت می کنند که راهی معین و مخصوص دارد آخر قدری ملاحظه هم لازم است مرد است زن است بچه است الاغ است شتر است و و و و بکرات دیده شده است الاغهائی که حمل گچ و آجر می کنند زبان بسته ها با بار گران و تن نا توان زیر دست این اسبان پامال جور وستم شما شده‌اند بعلاوه خرکچی بیچاره چند توسری و شلاق هم میخورد بقانون مسلم تمام دول و ملل و بتصدیق عدل در چنین شهری درشکه دوانی ممنوع است و بحکم مروت و سلامت‌چندی‌باوامی حرکت نمایند تا از برای خیابانها ترتیبی داده شود از مقصود اصلی که مسئله تنظیف خیابانهاست باز مانیم بجهة جهت صاحبان درشکه از برای تعمیرات خرابی‌خودشان وجهی منظور نمیکنند که همه ساله صرف‌این نوع‌تعمیرات بنمایند شاید وجهی هم منظور شده و محل حیف ومیل دیگر از عمده است در خارجه‌راه‌درشکه وکالسکه علیحده و پیاده راه نیز علیحده است در خیابانهائی که‌عرض‌ها درشکه و کالسکه و بار گچ وآجر و تیر و هیزم و غیره و غیره داخلند با‌این تعجیل درشکه‌چی ها مثل اینکه از فتح قلعه هرات آمده یا خبر مهمی دارند در کمال سرعت شتاب می کنند آیا شرعی یا موافق‌قانون است درشارع عام که افراد رعیت شریکند صاحبان درشکه ظلم وستم بدرگاه خود کنند

عموم رعایا با دوپا آهسته آهسته راه میروند شماها اولا با شانزده پای اهنی کالسکه و اسب خاك و گل خیابانرا برسر ما بیچارگان ریخته چه بسا دیده شده بعضی زیر درشکه رفته و هلاك شدند پس دوجلوهٔ سهل در نظر است (یکی) ازین ظلم خرابی راهها حق شماها است که قانون هر درشکه در سال مبلغ معینی برای مصارف ساختن راهها و خیابانها منظور دارند و دیگر رئیس خطوط آهن که‌درسال مبالغ خطیری فایده میبرد چنانچه روز اول سه شاهی از مردم میگرفتند پول سیاه شکست سیصد دینار کردند حال هر که پول صرف ندارد باید سه شاهی بگیرد باز هم سیصد دینار را میگیرد اولا خطوط اهن کشیده را اصلاح کند (بقیه دارد) (منطق الملك)

(حادثه)

شب یکشنبه دوم شهر صفرالمظفر نزدیك سه راه گلوبندك چهار ساعت یا بیشتر از شب گذشته چند دکان غفلة خراب شده سه رأس الاغ تلف و یکنفر مرد فقیر بیچاره که بواسطه غربت و بی مکانی در یکی از آن دکاکین شبها را بروز میاورده در همان شب بمرود زندگانی کرده چنانچه صاحبان املاك که فوائد کلی را ازاملاك خود منظورنظر دارند و تمام هم‌شان گذشتن ماه است برای اخذ ودریافت مال الاجاره اگردر عرض سال یك ثلث مال الاجاره ملك خودرا صرف تعمیرو مرمت‌نمایند‌ماین از این نوع حوادث محفوظ و خودشان گرفتار‌این نوع خسارتهای فوق العاده نخواهند شد

(اعلان) تسعیر اجناس‌درورقه‌پستی‌خیلی لطیف که خارج از روز نمره است بطبع میرسد که در جوف نوشتجات پستی بولایات‌فرستاده شود آقایانی که طالبند رجوع باداره فرمایند

مقابل شمس العماره
در مطبعه شرقی بطبع رسید

[illegible] از قرار نرخ [illegible]

[illegible] ([illegible]) ([illegible]) ([illegible]) ([illegible]) (یک کتیبه و [illegible])

قران	دستور	یک عدد	قران	دینار	[illegible]
۲۰	۵۰۰	اشرفی ناصری	۲۲۰	[illegible]	[illegible]
۱۹	۷۰۰	[illegible]	۱۰	[illegible]	[illegible]
۲۷	۵۰۰	دو اشرفی	۱	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]